

اخبار حوادث

قاتل خانم وکیل لنگرودی در آستانه اعدام

وکیل مدافع اولیای دم فرزانه پوررجبی - وکیلی که در مقابل دادگستری لنگرود به ضرب گلوله کشته شد - از صدور حکم قصاص برای متهم این پرونده خبر داد.

عبدالصمد خرماشاهی در این باره اظهار کرد: طبق رأی صادره از سوی شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان گیلان در خصوص متهم به قتل مرحومه فرزانه پوررجبی وکیل دادگستری و با استناد به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و همسین طور ماده ۶۵ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات، «علی.ر.» متهم پرونده به لحاظ قتل عمدی مرحومه پوررجبی به یک بار قصاص نفس و ملاعام در محل ارتکاب قتل و به لحاظ حمل سلاح شکاری غیر مجاز به تحمل دو سال حبس و ضبط آن محکوم شد.

وی افزود: لازم به توضیح است که اجرای قصاص نامبرده منوط به تأییدیه (پرداخت) فاضل دیه از ناحیه خانواده مرحومه خواهد بود.

این وکیل دادگستری تصریح کرد: این رأی قابل اعتراض است و بعد از اعتراض به دیوان عالی کشور ارسال می شود. بر اساس این گزارش، فرزانه پوررجبی ۳۱ تیرماه ۱۳۸۰ در بیست و نه ساله جاری مقابل دادگستری لنگرود توسط شخصی که قبلاً رابطه کاری با او داشت کشته شد.

خرماشاهی ۳۰ مهرماه از صدور کیفرخواست برای متهم این پرونده وارسال آن به دادگاه خبر داد. وی ۱۹ دی ماه از اعلام ختم رسیدگی به این پرونده خبر داد و گفت: ظرف مهلت قانونی حکم پرونده صادر می شود.

اقدامات شوم زن آرایشگر در سیرجان

دادستان سیرجان از پلمب یک آرایشگاه معروف زنانه به علت اقدامات خلاف قانون و جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی خبر داد.

محسن نیکپورز گفت: در پسی اقدامات و بررسی های پلیس امنیت عمومی شهرستان سیرجان مشخص شد یک آرایشگاه اقدام به برگزاری شوی عروس کرده و فیلم این مراسم را در اینستاگرام منتشر کرده است.

وی افزود: تصویر بدون پوشش خانم ها که در خارج از آرایشگاه حضور دارند نیز از طریق فضای مجازی منتشر شده است.

نیک وریزان داشت: تحقیقات تکمیلی در این رابطه ادامه داشته و علاوه بر احضار متهم، افراد بیشتری مورد تحقیق قرار خواهند گرفت.

تفتیش پلیس مرموز فرجامی نداشت

رئیس کلانتری تهران نو از دستگیری یک مامور قلابی هنگام تفتیش خبر داد.

سرهنگ «رسول بهرامی» گفت: ساعت ۲۳ شامگاه شبیه خبری به کلانتری اعلام شد که یکی از ماموران نظامی در حال تفتیش و بازجویی از فردی در محدوده خیابان مسیل منوچهری است، بلافاصله تیمی از ماموران کلانتری برای بررسی موضوع به آدرس اعلامی اعزام شد.

رئیس کلانتری ۱۲۸ تهران نو با اشاره به اینکه هیچ یک از ماموران برای تحقیقات پلیسی اعزام نشده بود، احتمال این می رفت که فرد بازجو، مامور قلابی باشد، گفت: در اسرع وقت ماموران در محل حاضر شد و مشاهده کردند متهم با نشان دادن تجهیزات نظامی، خود را مامور معرفی کرده و در حال تفتیش از فردی می باشد. وی بیان داشت: در بازرسی از متهم تعدادی تجهیزات نظامی کشف و متهم که پاسخ درستی به سوالات پلیس نمی داد به کلانتری برای تحقیقات تکمیلی منتقل شد.

دستگیری دزد خودروی یک زن

فرمانده گشت انتظامی قراقرگاه شرق یگان امداد پایتخت از دستگیری یک سارق لوازم خودرو هنگام سرقت خبر داد.

سرگرد «منصور محمد پور» بیان داشت: ماموران هنگام گشت زنی در محدوده سطح حوزه متوجه دادخواهی زنی شدند که با یک مرد در حال درگیری بود و هر ۲ نفر در کنار یک خودروی سواری ایستاده بودند. این مقام پلیسی بیان داشت: ماموران برای بررسی موضوع وارد عمل شدند و به محل درگیری مراجعه کردند.

وی با اشاره به اینکه زن جوان اظهار داشت که این مرد ضبط خودرواش را سرقت کرده است، تصریح کرد: با توجه به شواهد و قرائن موجود و اینکه ضبط خودرو از داخل خودرو خارج شده بود، فرد متهم تحت بازجویی قرار گرفت و مشخص شد که خبر صحت دارد.

- چرا گریه می کنی؟
- نگران بچه هایم هستم.
- فکر می کردی دستگیر شوی؟
- بله.
- چرا این کار را کردی؟
- به پول نیاز داشتم و به هر کسی هم می گفتم پول قرض نمی داد.
- چقدر پول به دست آوردی؟
- نزدیک به ۱۰ میلیون تومان.
- همه پول ها را هزینه زندگی ات کردی؟
- نه، بدهکار بودم و بخشی از بدهکاری ام را پرداخت کردم.
- چقدر بدهکار هستی؟
- ۱۶ میلیون تومان.
- ارزشش را داشت؟
- نه، ولی مجبور بودم.
- چطور این نقشه به ذهنت رسید؟
- نمی دانم.
- شیوه جدیدی برای کلاهبرداری پیدا کردی؟
- وقتی بی پول باشی هر فکری به ذهنت می رسد تا بتوانی خودت را نجات دهی.
- کی دستگیر شدی؟
- روز ۶ قبل داخل خانه بودم که دستگیر شدم.
- فرزندان است صحنه دستگیری ات را دیدند؟
- نه، جلوی در بودم که دستگیر شدم.
- اعتیاد داری؟
- نه، سیگار هم نمی کشم.
- حرف آخر؟
- پشیمانم
- بنابه این گزارش، این متهم که طعمه های زیادی را در سراسر کشور هدف سرقت های فریبکارانه اش قرار داده برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران کلانتری ۱۳۷ نصر قرار دارد.

- بله، ۲ فرزند ۳ و ۶ ساله دارم.
- شغل؟
- مسافرکش.
- در گذشته کار دیگری هم انجام دادی؟
- نه، از همان ابتدا مسافر کشی می کردم.
- الان به چه جرمی دستگیر شدی؟
- کلاهبرداری.
- شیوه و شگرد؟
- از طریق فضای مجازی درخواست آگهی برای پرستار فرزندم دادم و بعد از شناسایی طعمه هایم آنها را به بهانه اینکه فرزندم داخل بیمارستان است به جلوی در بیمارستان می بردم و سپس مدارک سرقتی طعمه قبلی را در اختیارش قرار می دادم و ادعا می کردم به داخل بیمارستان بروند و مدارک آنها را تحویل دهند و خودشان مسئولیت فرزندم را به عهده بگیرند که پس از رفتن آنها، کیف و وسایل شان را سرقت می کردم.
- پول ها را چطور از آنها می گرفتی؟
- به بهانه اینکه می خواهم با پرستار قبلی تسویه حساب کنم از آنها پول می گرفتم و سپس با گرفتن کارت بانکی شان ادعا می کردم پول را به حسابشان واریز می کنم که در این مرحله به بهانه اینکه کیف و وسایل شان را خودم به داخل بیمارستان می آورم از آنها می خواستم به وسایل شان دست زنند.
- آنقدر راحت به تو پول می دادند؟
- بله، چون خیلی زود به من اعتماد کرده بودند.
- چقدر نفر را هدف قرار دادی؟
- ۳۰ نفر.
- چرا این کارها را می کردی؟
- بخاطر بی پولی که پشیمانم.

مرد جوان وارد عمل شدند و در همان تحقیقات ابتدایی مشخص شد که زنان زیادی به بهانه استخدام پرستار خانگی طعمه این مرد فریبکار شده اند.

تجسس های پلیسی برای دستگیری مرد فریبکار ادامه داشت و ماموران با توجه به آگهی هایی که این مرد در فضای مجازی برای استخدام پرستار خانگی منتشر کرده بود اقدامات اطلاعاتی و پلیسی را در دستور کار خود قرار دادند.

تیم تجسس کلانتری ۱۳۷ نصر در کاوش های پلیسی پی بردند که مرد فریبکار در شهرهای مختلفی از کشور پرستارها را هدف سرقت های فریبکارانه اش قرار داده و آنها را به تهران کشانده است. ماموران با توجه به سرخ های به دست آمده از تجسس پلیسی خیلی زود مخفیگاه متهم در منطقه رابط کریم رزنی شد و ماموران پس از چند روز تحت نظر قرار دادن متهم روز سه شنبه ۹ بهمن ماه سال جاری در عملیاتی غافلگیرانه علی را در خانه اش دستگیر کردند اما در بازرسی از مخفیگاه متهم هیچ یک از وسایل سرقتی به دست نیامد. علی ابتدا اصرار بر بیگناهی داشت اما وقتی در برابر طعمه هایش قرار گرفت به ناچار پرده از سرقت های فریبکارانه اش برداشت. این سارق حرفه ای ادعا کرد بخاطر بی پولی این نقشه را طراحی کرده است و طعمه هایش را از طریق آگهی دادن در سایت شیپور و استفاده از فضای مجازی شناسایی کرده است.

گفت و گو با سارق فریبکار

علی ۲۵ ساله که برای اولین بار دست به تبهکاری زده تنها نگرانی اش فرزندانش است و ادعا می کند بخاطر بی پولی و بدهکاری دست به این کار زده است.

سابقه داری؟

نه اولین بار است که دستگیر شدم.

از دواج کردی؟

۱۳۷ نصر، تیم ویژه ای برای ردیابی



کرد همه وسایل و کیف زن جوان را به داخل بیمارستان می آورد. زن جوان که به حرف های این مرد اعتماد کرده بود ۲۰۰ هزار تومان در اختیار وی قرار داد و همه کیف و وسایلش را داخل خودرو گذاشت تا مرد جوان آنها را به داخل بیمارستان بیاورد. پرستار خانگی وقتی به داخل بیمارستان رفت هر چه به دنبال پسر کوچولو گشت بی فایده بود و وقتی به اطلاعات بیمارستان مراجعه کرد مشخص شد هیچ پجه ای با مشخصات مرد جوان در بیمارستان وجود ندارد. زن جوان که علی نام دارد یک کارت پرستار در اختیار او قرار داد و ادعا کرد که این کارت پرستار قبلی فرزندش است که داخل بیمارستان حضور دارد. مرد جوان در این صحنه با توجه به اعتماد سازی که کرده بود از زن جوان خواست پولی در اختیارش قرار دهد تا با پرستار قبلی تسویه کند و سپس با چرب زبانی ادعا

نمودنش یک پرستار از پسر ۳ ساله اش مراقبت کند. زن جوان با اعتماد به حرف های مرد جوان از شهرهای شمالی کشور به تهران آمد و به محل قرار با مرد جوان رفت و در این صحنه مرد ادعا کرد پسرش در بیمارستان امام خمینی (ره) بستری است و پس از ترخیص شدن می توانند به خانه ۷۰ متری اش در مرکز تهران بروند.

در ادامه زن جوان سوار بر خودروی مرد فریبکار به جلوی در بیمارستان رفت و زمانی که از خودرو پیاده شد مرد جوان که علی نام دارد یک کارت پرستار در اختیار او قرار داد و ادعا کرد که این کارت پرستار قبلی فرزندش است که داخل بیمارستان حضور دارد. مرد جوان در این صحنه با توجه به اعتماد سازی که کرده بود از زن جوان خواست پولی در اختیارش قرار دهد تا با پرستار قبلی تسویه کند و سپس با چرب زبانی ادعا

گروه حوادث: مرد جوان با شیوه جدید و فریبکارانه ای در فضای مجازی طعمه های زن را برای پرستار خانگی فرزندش استخدام می کرد.

این مرد در یک سناریوی از قبل طراحی شده اقدام به سرقت کیف و وسایل زنان پرستار می کرد. چندی قبل زن جوانی که در کار پرستار خانگی فعالیت داشت به دنبال کار بود که در یک سایت معروف با یک آگهی در خواست کار روبرو شد که مرد جوانی برای پسرش یک پرستار در خواست کرده بود.

زن جویای کار با توجه به اینکه مرد فریبکار از طریق یک شرکت خدماتی در خواست کارش را اعلام کرده بود به این در خواست کار اعتماد کرد و با مرد جوان تماس گرفت. مرد فریبکار ادعا کرد که راننده کامیون است و چون مدت زیادی در تهران نیست و بخاطر جدایی از همسرش، تصمیم گرفته در زمان

خبر

پلیس تهران فاش کرد

جزئیات جنایت پسر خاله ها در شهر ک غرب

از پای در آمده است با دستور باز پرس جسد به سردخانه انتقال داده شد و ماموران وارد عمل شدند تا با شناسایی مخفی گاه قاتل فراری او را به دام اندازند.

۳۰ دقیقه بعد

کار آگاهان با توجه به فامیلی بودن جنایت به اقدامات اطلاعاتی ویژه دست زدند تا ردی از قاتل به دست آورند و همین کافی بود تا در کمتر از ۳۰ دقیقه مخفیگاه مصطفی را شناسایی کنند.

دستگیری قاتل

کار آگاهان که توانسته بودند به ردی از قاتل فراری در محدوده خیابان مروارید غربی برسند با اطمینان از اینکه مصطفی در حال فرار از تهران است بلافاصله مخفیگاه او را محاصره کردند و مصطفی در حالیکه چمدانش را بسته بود عافلگیرانه دستگیر شد.

اعتراف

قاتل ۲۹ ساله که از سرعت عمل پلیس جنایی

همه وحشت زده اطراف جسد ایستاده بودند.

قاتل کیست؟

ماموران بلافاصله ماجرای این قتل را به باز پرس جنایی تهران و اداره ۱۰ پلیس آگاهی اطلاع دادند تا تیم تخصصی در صحنه قتل حاضر شود.

وقتی کار آگاهان ویژه قتل دست به تحقیقات میدانی زدند پی بردن یک جنایت فامیلی رخ داده است. یکی از شاهدان قتل به افسر تحقیق گفت: من دیدم که مصطفی با پسر خاله اش در گیر شد و با چاقویی که داشت او را هدف قرار داد.

وی افزود: می دانستم آنها با هم اختلاف دارند اما تصور نمی کردم چنین قتلی رخ بدهد مصطفی بعد از قتل با تهدید ما پا به فرار گذاشت و نمی دانیم کجا رفته است وقتی دیدیم حسین نفس نمی کشد با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتیم. وقتی متخصصان پزشکی قانونی عنوان کردند که حسین بر اثر اصابت ضربه چاقو به سینه اش

گروه حوادث: فقط ۶۰ هزار تومان کافی بود تا یک جنایت فامیلی در شمال تهران رقم بخورد. در این اقدام خونین پسری با خشم پسر خاله اش را هدف ضربات چاقو قرار داد.

گزارش به پلیس

ساعت ۱۴:۴۵ بعد از ظهر جمعه دوازدهم بهمن ماه سال جاری اپراتور پلیس ۱۱۰ تهران تماسی در یافت کرد که نشان می داد درگیری خونینی در شهر ک غرب تهران رخ داده است. خیلی زود ماجرای این صحنه خونین به ماموران کلانتری ۱۳۴ شهر ک غرب مخابره شد و تیمی از تجسس کلانتری ماموریت یافت تا به تحقیقات میدانی بپردازد.

دقایقی بعد ماموران خود را به یک مرکز تجاری در شمال تهران رساندند و پای در صحنه تکان دهنده ای گذاشتند.

جسد خونین مردی روی زمین افتاده بود و

این تبهکار ۱۱ سال در زندان بود

سرقت خیابانی زندانی قدیمی بعد از آزادی

دوربین های مدار بسته پی بردند ساعت شش صبح خودروی پراید سفید رنگ به سرعت رفته است.

بلافاصله مشخصات پراید سرقتی به خودروهای گشت مخابره شد و چند ساعتی از فعال شدن آن نگذشته بود که ماموران در شهر ک بعثت به یک پراید سفید رنگ بدون پلاک مظنون شده و دستور ایست دادند.

راننده پراید که در خودروی سرقتی تنها بود با شنیدن دستور ایست بایی اعتنایی پاروی گاز گذاشته و با سرعت جنون آمیز و حرکات زیزگاسعی کرد فرار کند

این تعقیب و گریز پلیسی ۱۰ دقیقه به طول کشید تا اینکه

گروه حوادث: یک تبهکار حرفه ای برای ايام مرخصی خود از زندان نقشه شومی داشت. این درد که ۱۱ سال در زندان بوده به جای ترک عادت سرقت پشت میله های سلول آموزش می دید. پنجشنبه هفته گذشته مردی آشفته خودش را به ماموران کلانتری ۱۶۰ خزانه تهران رساند و پرده از یک سرقت بر داشت. این مرد به افسر نگهبان اطلاع داد که پرایدش در محله خزانه پارک بوده و به سرعت رفته است.

این مرد با صدایی لرزان گفت: پراید دار و ندارم بود صبح زود بود وقتی بیدار شدم دیدم آن را به سرعت برده اند.

ماموران بلافاصله در صحنه سرقت حاضر شدند و در بررسی

دزدان با توقف پراید با پای پیاده فرار کردند و ماموران نیز دست از تعقیب و گریز برنداشته و توانستند در عملیاتی نفسگیر دزدان را در کوچه ای بن بسن به دام اندازند.

در داخل کوچه هر دو دزد توسط تن تن از ماموران که یکی از آنها سراز بود ز مینگیر شدند اما آنها که تکاپویی بسیار برای فرار داشتند با حمله به ماموران سعی کردند راهی برای فرار پیدا کنند و همین اقدام خشونت بار آنها کافی بود تا سرباز پلیس زخمی شده و به بیمارستان انتقال یابد.

بلافاصله هر دو تبهکار با افشای اینکه پراید سرقتی را همان صبح از خزانه خود دیده اند و با کندن پلاکش آنها را زیر کفی صندلی های عقب پنهان کرده اند چاره ای جز اقرار ندیدند.

دزد اصلی در بازجویی ها گفت: بی پول بودم پراید را سرقت کردم تا لوازمش را اوراق کرده و در بازار سیاه بفروشم.

وی ادامه داد: ۳۰ ساله هستم و یک روز است که بعد از ۱۱ سال زندان با سپردن وثیقه یک میلیارد تومانی توسط پدرم

به مرخصی آمده ام.

این زندانی قدیمی افزود: بعد از آزادی برای اینکه مقداری پول دست و پا کنم نزد دوستم که ۳۱ ساله است رفتم و ما تصمیم گرفتیم پراید سرقت کنیم همین کار را هم کردیم اما در مسیر مخفیگاهمان بودیم تا در آنجا پراید را اوراق کنیم و بعد بفروسیم که پلیس ایست داد و همه نقشه هایمان به هم ریخت.

وی در پایان گفت: من شرمند پدر و مادرم هستم مدت ها بود جابم در خانه خالی بود و مادرم به تب به ملاقاتم می آمد باز هم یک روز بعد از آزادی و در حالیکه یک بار دستپخت مادرم را خوردم باید باز هم زندان بروم و سال هادر زندان بمانم.

دومین دزد هم گفت: من می خواستم با پولش مدتی ولخرجی کنم و بدهکاری هایم را بدهم و فکر نمی کردم به این زودی دستگیر شوم.

بنابه این گزارش این دو دزد در بازداشت تحت تحقیق هستند تا پرده از دیگر سرقت هایشان برداشته شود.